



## Short-term architecture of Qajar period houses: content analysis of Europeans' travelogues

Mohammad Reza Javadi Yeganeh<sup>1</sup> | Hosna Esmailbeigi<sup>2</sup> | Hamed Mazaherian<sup>3</sup>

1. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [myeganeh@ut.ac.ir](mailto:myeganeh@ut.ac.ir)
2. Corresponding author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [esmaeilbeigi@gmail.com](mailto:esmaeilbeigi@gmail.com)
3. Department of Architecture, Faculty of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [mazaheri@ut.ac.ir](mailto:mazaheri@ut.ac.ir)

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:**

Research Article

**Article history:**

Received: 21 October 2023

Received in revised form: 14 January 2024

Accepted: 05 February 2024

Published online: 13 April 2024

**Keywords:**

Architecture, Short Term Architecture, Short Term Society, Qajar Period, Travelogue.

The architecture of all lands, including Iran, has always been in a deep connection with culture, and it can be seen as an expression of the thoughts and values of the society. One of the important periods of Iranian architecture is the Qajar period. The changes in the architecture of this period can be analyzed under the influence of two groups of external factors (Western influence) and internal. In this article, the focus is on internal factors and to obtain data related to the subject, the travelogues of Europeans who traveled to Iran during the Qajar period were used.

The research method used in this article is the content analysis method, which is based on first-hand historical data, namely Ferangian travelogues who were in Iran during the Qajar period. For this purpose, 22 travelogues were used.

According to the reports of tourists, one of the characteristic features of buildings in this period was their short life. In this article, this issue has been investigated in relation to cultural, social, political and governance conditions.

By examining the data obtained from the travelogues according to the physical characteristics of the buildings and the cultural, political and social characteristics of that period, it is shown that unpredictability and insecurity in the society can indirectly affect the buildings and lead to the formation of a type of short-term architecture that It prepares the ground for being influenced by the architecture of other cultures and societies.

**Cite this article:** Javadi Yeganeh, M. R. Esmailbeigi, H & Mazaherian, H. (2023). Short-term architecture of Qajar period houses: content analysis of Europeans' travelogues. *Community Development (Rural and Urban)*, 15 (2):,467-486. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.372843.668845>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.372843.668845>

## معماری کوتاه مدت خانه‌های دوره قاجار: تحلیل محتوای سفرنامه‌های فرنگیان

محمد رضا جوادی یگانه<sup>۱</sup> | حسنا اسماعیل بیگی<sup>۲</sup> | حامد مظاهریان<sup>۳</sup>

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [myeganeh@ut.ac.ir](mailto:myeganeh@ut.ac.ir)
۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [esmaeelbeigi@gmail.com](mailto:esmaeelbeigi@gmail.com)
۳. گروه معماری، دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [Mazaheri@ut.ac.ir](mailto:Mazaheri@ut.ac.ir)

### اطلاعات مقاله چکیده

**نوع مقاله:** مقاله پژوهشی

**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۲/۷/۲۹

**تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۱/۲۵

معماری همه سرزمین‌ها من جمله ایران، همواره در پیوندی عمیق با فرهنگ بوده و می‌توان آن را نمودی از افکار و ارزش‌های حاکم بر جامعه دانست. یکی از دوره‌های مهم معماری ایران، دوره قاجار است. تغییرات پدید آمده در معماری این دوره را تحت تأثیر دو گروه عوامل بیرونی (تأثیر غرب) و درونی می‌توان بررسی کرد. در این مقاله، تمرکز بر عوامل درونی بوده و برای دستیابی به داده‌های مرتبط با موضوع، از سفرنامه‌های اروپائیان که در دوره قاجار به ایران سفر کرده‌اند، بهره‌گرفته شده است. روش تحقیق به کارگرفته شده در این مقاله روش تحلیل محتوا است که با تکیه بر داده‌های دست اول تاریخی یعنی سفرنامه‌های فرنگیانی که در دوره قاجار در ایران بوده‌اند انجام شده است. برای این منظور از ۲۲ سفرنامه استفاده شد. طبق گزارش‌های سیاحان، یکی از ویژگی‌های شاخص بناها در این دوره، عمر کوتاه آن‌ها بوده است. در مقاله حاضر این موضوع، در ارتباط با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حکمرانی؛ مورد کنکاش قرار گرفته است. با بررسی داده‌های به دست آمده از سفرنامه‌ها با توجه به ویژگی‌های کالبدی بناها و ویژگی‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی آن دوره، نشان داده می‌شود که پیش‌بینی ناپذیری و ناامنی در جامعه، می‌تواند به طور غیرمستقیم بر بناها نیز اثرگذار بوده و منجر به شکل‌گیری نوعی معماری کوتاه‌مدت گردد که همین امر زمینه را برای تأثیرپذیری از معماری فرهنگ‌ها و جوامع دیگر، مهیا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** جامعه کوتاه‌مدت، دوره قاجار، سفرنامه، معماری، معماری کوتاه‌مدت.

**استناد:** جوادی یگانه، محمد رضا؛ اسماعیل بیگی، حسنا؛ مظاهریان، حامد (۱۴۰۲). معماری کوتاه مدت خانه‌های دوره قاجار: تحلیل محتوای سفرنامه‌های فرنگیان. توسعه

محلی (روستایی-شهری)، ۱۵(۲): ۴۶۷-۴۸۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.372843.668845>

© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.372843.668845>

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

معماری، همواره بازتابی از فرهنگ، اندیشه، سنت و راه‌ورسم زیستن در یک جامعه است. معماری ایرانی نیز در طول تاریخ چند هزارساله این سرزمین، تبلوری از فرهنگ جامعه ایرانی و فراز و نشیب‌های آن و فلسفه و معنای زندگی نزد ایشان بوده و تجسم بسیاری از اصول و ارزش‌های حاکم بر افکار ایرانیان در هر دوره را می‌توان در بناهای آن دوره یافت. یکی از دوره‌های مهم در معماری ایران که می‌تواند محل بحث و تأمل جدی باشد، معماری دوره قاجار است که محققان بسیاری چون پیرنیا، قبادیان، بانی-مسعود و کاتب در آثار خود بدان پرداخته‌اند. معماری در این دوره از یکسو در ادامه معماری دوره‌های پیشین بوده و از سوی دیگر با ورود تدریجی عناصری از معماری غرب، کم‌کم متفاوت از گذشته شده است. طهماسبی‌فرد در پژوهشی پیرامون معماری مسکونی در سه دوره قاجار و مقایسه تغییرات آن‌ها طی این سه دوره، نشان داده که تأثیراتی از معماری غرب در سراسر دوران قاجار وجود داشته است (طهماسبی‌فرد، ۲۰۲۰). در دوره‌بندی‌های تاریخی معماری ایران، این دوره را معماری دوره انتقال، اختلاط و آغاز تقابل معماری ایران و غرب نامیده‌اند (افشار اصل، خسروی، ۱۳۷۷). تحولات معماری دوره قاجار، از دیدگاه‌های متفاوتی موردبررسی قرار گرفته و محققان علل این تغییرات را در عوامل بیرونی و درونی تأثیرگذار کاویده‌اند. افشار اصل و خسروی، عوامل مؤثر در شکل‌گیری معماری و شهرسازی دوره قاجار را در قالب ۵ گروه بیان می‌دارند که عبارت‌اند از: ۱- آمدوشدهای سیاسی به اروپا؛ ۲- دگرگونی‌های سازمان کهن زیست و تولید و همخوان شدن با نظام اقتصاد جهانی که خود نیاز به تغییر سازمان کهن شهری داشته است؛ ۳- ضعف بیان و زبان معماری و شهرسازی و گویش متنی آن؛ ۴- حضور معمارباشی‌های ایرانی تحصیل‌کرده فرنگ و معماران خارجی؛ ۵- ورود کالسکه و لوکوموتیو در سیستم حمل‌ونقل شهری و بین‌شهری (افشار اصل، خسروی، ۱۳۷۷). در میان این عوامل، ضعف بیان و زبان معماری و شهرسازی، ویژگی درونی معماری و شهرسازی در این دوره بوده که بستر را برای تغییرات فراهم کرده است. در کل دوره قاجار، به علت نابسامان بودن شرایط زیست، از جمله شرایط بد اقتصادی، نبودن سازمان مشخص و اجرائی ساخت و بنا جز اندکی در عهد ناصری، توجه زیادی به شهرسازی و معماری صورت نمی‌گرفت و همواره رخوت و سستی مشهودی بر آن سایه افکنده بود. به‌طوری‌که اسناد به‌جای مانده از آن دوره، اعم از توصیفات داخلی و خارجی از وضع نامطلوب شهرها و بناها حکایت دارد؛ که این عامل به‌عنوان عامل اصلی پذیرش بی‌چون‌وچرای معماری غرب حائز اهمیت است (افشار اصل، خسروی، ۱۳۷۷). آنچه در این مقاله موردبررسی قرار می‌گیرد، این عامل درونی است. معماری موردنظر این مقاله بناهای مسکونی اعم از خانه‌های شخصی، اقامتگاه‌های مسکونی، کاروانسراها و کاخ‌هاست. یکی از منابع مهم برای جمع‌آوری داده‌ها از این دوره تاریخی، سفرنامه‌های اروپائیان است که در آن زمان به ایران سفر کرده و به توصیف مشاهدات خود پرداخته‌اند. در دورانی که زیست مردم ایران تا حد زیادی تحت تأثیر سنت‌های قدرتمند پیشین بود، اروپائیان کم‌کم از جهان قرون وسطایی و سنت‌های پیشین فاصله گرفتند و به پدیده‌ها - من جمله هنر و معماری - با دید انتقادی و تحلیلی نگریدند. «به‌عبارت‌دیگر به نظر می‌رسد که داورهای اروپائیان در سفرنامه‌هایشان، تنها داورهای نقادانه دست‌اول تاریخی در مورد معماری و هنر پیشامدرن ایران است» (حقیق، صلواتی، ۱۳۹۶: ۵۸).

ویرانی گسترده و خانه‌های متروک و رهاشده و غیرقابل سکونت، تصویری است که به‌کرات در سفرنامه‌های فرنگیان دیده می‌شود؛ درعین حال توصیف ایشان از بناهای مسکونی، با مصادیقی چون ضعف و سستی بناها، استفاده از مصالح نامرغوب، عدم تعمیر و نگهداری ابنیه و ... همراه است. می‌توان گفت از دید ایشان، یکی از ویژگی‌های مهم معماری مسکونی در این دوره، عمر مفید بسیار کوتاه ابنیه بوده که در تعبیری می‌توان آن را معماری کوتاه‌مدت نامید و آن را در ارتباط با شرایط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در ایران موردبررسی قرارداد.

به طور کلی در این مقاله در جست‌وجوی این هستیم که سیاحان اروپائی در بازدید از خانه‌ها و بناهای مسکونی در شهرها و روستاهای ایران به چه مواردی از ضعف معماری ایرانی در ارتباط با عمر کوتاه ابنیه اشاره کرده‌اند؟ و این موارد را در ارتباط با فرهنگ و اخلاق اجتماعی ایرانیان و شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه در دوره قاجار، چگونه تفسیر کرده‌اند؟ در این مقاله پس از مرور پیشینه و بیان مبانی نظری، با استناد به داده‌های به دست آمده، ارتباط میان معماری و فرهنگ جامعه ایرانی و نیز رابطه آن با ویژگی‌های اجتماعی و رویه‌های حاکم بر کشور را بررسی می‌کنیم.

## ۲. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق را در دو حیطه می‌توان بررسی کرد: ۱- آثاری که معماری دوره قاجار را با استناد به سفرنامه‌های این دوره بررسی کرده‌اند و ۲- آثاری که به عمر کوتاه ابنیه در ایران پرداخته‌اند.

کسانی چون بانی مسعود (۱۳۸۸)، قبادیان (۱۳۸۳) و صامی (۱۳۷۴)، بر رابطه میان سفرها و سفرنامه‌های دوره قاجار و تحولات پدید آمده در معماری و شهرسازی این دوره در ایران اشاره کرده‌اند. تحقیقاتی که پیرامون معماری دوره قاجار با تکیه بر سفرنامه‌ها، انجام شده است را می‌توان در دودسته مورد توجه قرار داد؛ تحقیقاتی که با تکیه بر سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ و آنچه ایشان در مواجهه با شهرهای اروپایی دریافته‌اند، انجام شده که از آن جمله می‌توان از کتاب «دریافته‌های غرب‌شناسانه از معماری اروپایی در سفرنامه‌های قرن نوزدهمی فارسی: سفرهایی در فضای فرنگی» (وحدت، ۲۰۱۷)، «نمایش تبدلات معماری و شهرسازی ایران و غرب در سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ در دوره قاجار» (لمسکی، قبادیان، سلطان زاده، قلیچ خانی، ۱۳۹۵) و «تمجیدهای ایرانیان از معماری فرنگ و رابطه آن با انتقادهای آنان از معماری ایران در اواخر دوران قاجار» (حقیر، صلواتی، ۱۳۹۹) نام برد. و تحقیقاتی که از سفرنامه‌های اروپائینی که در این دوره به ایران سفر کرده‌اند، بهره گرفته‌اند؛ مقاله «بازنمایی عناصر هویت‌بخش شهری در سفرنامه‌ها: مطالعه مقایسه‌ای تهران و شهرستان‌های استان تهران» (عاملی، اخوان، ۱۳۹۲) با مطالعه ۲۴ سفرنامه به بازنمایی استان تهران در سفرنامه‌ها و دوئیت‌های شرق در برابر غرب پرداخته است و حقیر و صلواتی در نوشته دیگری با عنوان «گذراره‌های نقادانه اروپاییان درباره معماری و شهرهای ایران در سفرنامه‌های قرن هفدهم تا نیمه قرن نوزدهم میلادی» اندیشه‌های انتقادی سفرنامه‌نویسان اروپائی را نسبت به شهرهای ایران بررسی کرده‌اند (حقیر، صلواتی، ۱۳۹۶). در این مقاله به همه عوامل اثرگذار در این حیطه حتی عوامل طبیعی پرداخته شده، حال آن که در مقاله حاضر تمرکز بر عمر کوتاه ابنیه در ارتباط با شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از دید سیاحان است.

عمر کوتاه بناها در ایران نیز در برخی تحقیقات مورد توجه قرار گرفته است؛ دهقانی و گرگین کرجی (۱۳۹۵) در مقاله «عوامل موثر بر طول عمر ساختمان در ایران: چالش‌ها و راهکارها» با اشاره به عمر کوتاه بناها در ایران، هزینه‌های استهلاک پدیدآمده را موجب فشارهای زیست‌محیطی و اقتصادی بسیار زیادی بر کشور می‌دانند. «مقایسه تطبیقی طول عمر ساختمان در ایران و کشورهای توسعه‌یافته» عنوان مقاله دیگری است که در آن نگارندگان با نشان دادن این نکته که در دوران حاضر استفاده از شیوه‌های نوین ساخت در ایران تاثیر چندانی در افزایش عمر بناها نداشته، لزوم توجه به ریشه‌های فرهنگی این مسئله را مطرح می‌کنند (خالقیان و همکاران، ۱۳۹۷). منوچهر معظمی در نوشته‌ای با عنوان «معماری معاصر ایران (جامعه کوتاه‌مدت - معماری کوتاه‌مدت)» (۱۳۹۴) ریشه‌های وضعیت آشفته کنونی معماری ایران را در گسست‌ها و گم‌گشتگی‌های فرهنگی و کوتاه‌مدت بودن جامعه ایرانی دانسته که در معماری نیز انعکاس یافته است؛ و در نوشته دیگری با عنوان «ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران» (معظمی، حجت، ۱۳۹۳) نویسندگان به این امر می‌پردازند که تغییرات شتابان در سبک‌های معماری و برنامه‌های توسعه شهری و

تصمیمات متضاد و ناهمگون در این حیطة در بستری که معیارهای امروزیین بودن با شتاب فراوانی چهره بناها و شهرها را دگرگون می‌کند، چگونه بر معماری معاصر در ایران اثر نهاده است. تفاوت این مقاله با مقاله حاضر در این است که در مقاله حاضر برای بررسی پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی این امر به دوران قاجار بازگشته‌ایم که گذشته از موارد فوق، شرایط اجتماعی و فرهنگی به‌گونه‌ای بر شیوه ساخت بناها اثر نهاده بوده که عمر اغلب آنها بسیار کم بوده و به‌سرعت روبه‌ویرانی می‌رفته است.

### ۳. چارچوب تحلیلی

به مسئله تغییرات معماری در دوره قاجار از زوایا و چارچوب‌های نظری متفاوتی می‌توان نگرست؛ انگاره مدرنیته‌های چندگانه، مفاهیمی چون توسعه، توسعه نیافتگی، نوسازی و وابستگی، استفاده از رویکردهای مطالعات پسا استعماری و یا نظریه‌های هانری لوفور درمورد شیوه‌های تولید فضا، هر یک به‌نوعی می‌تواند در این‌زمینه راهگشا باشد. اما با توجه به تأکید مقاله بر عوامل درونی تأثیرگذار؛ رویکردهائی می‌توانند راهگشا باشند که مبنای تحلیل آنها شرایط فرهنگی و اجتماعی تاریخی ایران باشد. حال آنکه در نظریات فوق بیشتر تأکید بر عوامل بیرونی مؤثر و برهم‌کنش نیروهای داخلی و خارجی است.

پرویز پیران (۱۳۸۴) در «نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران» ارکان جامعه ایرانی را مبتنی بر زندگی ایلپاتی و روستایی می‌داند و همزیستی نظام ایلپاتی با ویژگی‌های خاص آن در کنار معیشت ساده و محدود روستائی را، زمینه‌ساز حمله دایمی ایلات به مناطق روستائی دانسته که درام پایدار زندگی ایرانی و نخستین عامل ناامن‌ساز جامعه ایرانی بوده‌است، که به‌نحو پایداری همواره در تاریخ زندگی اجتماعی ایران حضور داشته است. در کنار آن، کشاکش قدرت‌های محلی، منطقه‌ای و سراسری و تحرکات نظامی ایشان، از دیگر عوامل ایجاد ناامنی بوده‌است. پیران بر همین اساس الگوی حاکمیت در ایران را زورمداری می‌داند. که تحت‌تأثیر آن برخی آفات اخلاقی مانند دروغ‌گویی، مجیز‌گویی، فرصت‌طلبی و پناه‌بردن به عالم خیال، در میان ایرانیان رشد کرده است (پیران، ۱۳۸۴: ۳۱).

رضاقلی نیز در توصیف قدرت سیاسی در ایران، تنها زور را عامل تسلط بر قدرت سیاسی می‌داند و به‌علت فقدان ساختارهای محدودکننده قدرت مطلقه مانند طبقه اشراف، تمام طول تاریخ ایران را تاریخ کشتار و شورش می‌داند. در این شرایط، ناامنی هم بر نظام سیاسی و هم در داخل نظام حکمفرما بوده است (رضاقلی، ۱۳۸۹: ۸۴).

از دید فراستخواه نیز در تاریخ ایران «رویدادهای مخرب پی‌درپی به گسست‌های زیانبار، ناپایداری و ناامنی انجامیده است و در شکل شدید و عمیقاً متفاوت با بسیاری از جوامع دیگر، بر فرهنگ و رفتار و خلق‌وخوی ایرانی سایه انداخته است» (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۱۲). لرنر با اشاره به حضور عنصر ناامنی در تاریخ ایران، آن را موجب بروز روحیاتی چون بی‌تفاوتی و شکل‌گیری یک نظام اجتماعی غیرمشارکتی می‌داند (لرنر، ۱۳۸۱: ۱۳۱). رضاقلی فرهنگ اجتماعی جامعه ایران را معتقد به جبر تقدیر می‌داند که در زمینه فعالیت‌های اجتماعی منجر به رهاکردن اندیشه اصلاح شده و فرد به «تنبلی همواره خوشایند و طبع‌نواز» دل می‌سپارد و با ترک مسئولیت و پرداختن به سرنوشت و تقدیر محتوم، از مسئولیت‌پذیری و تعقل می‌گریزد (رضاقلی، ۱۳۸۹: ۲۷).

کاتوزیان نیز به ناامنی و فقدان ساختار در تاریخ ایران می‌پردازد و آن را نتیجه دولت استبدادی می‌داند که «نماینده حکومت خودسرانه فردی و جامعه خودسر است که هرگاه تسلط دولت بر آن ضعیف شود به آشوب می‌گراید» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۴). از دید وی در غیاب آشوب در هر دوره کوتاه مدت، امکان «تملک دارایی و انباشت سرمایه تجاری و توسعه آموزش، هنر و علم وجود دارد؛ اما این چیزها در درازمدت دوام نمی‌آورد و دچار زوال یا آشوب می‌شود» (همان). «ماهیت بی‌اعتبار جان و مال و ناامنی فوق‌العاده و

پیش‌بینی‌ناپذیری آینده، نگرش درازمدت به زندگی را رخصت نمی‌داد؛ زیرا همه منصب‌ها، عنوان‌ها و امتیازات مالکان و ثروت بازرگانان در خطر آن بود که اگر نه در حیات فرد، در طول عمر یک یا دو نسل بعد از میان برود» (همان).

کاتوزیان از اصطلاح جامعه کوتاه مدت برای توصیف جامعه ایران بهره گرفته است. در این جامعه انباشت تغییرات درازمدت، از جمله انباشت درازمدت مالکیت، ثروت، سرمایه و نهادهای اجتماعی و خصوصی، حتی نهادهای آموزشی، بسیار دشوار بوده است. البته این نهادها در هر دوره کوتاه مدت وجود داشته یا به وجود آمده است، اما در دوره‌های کوتاه مدت بعدی یا بازسازی شده یا تغییرات اساسی در آن پدید آمده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲). ایمانی در مقایسه‌ای تطبیقی میان مدیریت مشارکتی محله در ایران و ترکیه نشان می‌دهد که چگونه این ساختارها در طول زمان در ترکیه تکامل یافته و به رشد دموکراسی کمک کرده‌اند در صورتی که در ایران این تکامل مداوم پدید نیامده است (ایمانی جاجرمی، برغانی‌برزگری، ۱۳۹۹). در جامعه ایران افق کار و زندگی در هر زمان کوتاه است. یعنی فرد نمی‌داند که فردا یا دو روز دیگر یا دو سال دیگر وضع زندگی او چگونه خواهد بود. طبعاً در این جامعه میل و رغبتی به سرمایه‌گذاری بلندمدت وجود ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲). سرمایه‌گذاری بلندمدت و انباشت سرمایه نیازمند چشم‌پوشی از مصرف حال - یعنی پس‌انداز - است و پس‌انداز طولانی مدت، نیازمند وجود حداقلی از امنیت در یک فاصله زمانی معقول است. دارایی مالک در طول حیات و پس از مرگ او نباید در معرض خطر دست‌درازی خودسرانه باشد و پس‌اندازکننده باید انتظار حداقلی از آرامش و ثبات در آینده داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۶).

رضاقلی در همین زمینه با سخن گفتن از بناها و کاخ‌های ایرانی و ضعف و ناپایداری آن‌ها در ارتباط با شرایط حاکم بر جامعه ایران، می‌گوید: «هر کجا که دیو ناپاکی بنایی می‌ساخت، دیو ناپاک دیگری می‌آمد و آن را تخریب می‌کرد» (رضاقلی، ۱۳۸۹: ۵۳). چرا که معماری نیز چون دیگر امور متأثر از اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روزگار خویش است. پیش‌بینی‌ناپذیر بودن آینده و بی‌اعتبار بودن مالکیت و جان و مال، ارزش کوشش برای ایجاد بناهای مستحکم و ماندگار را زیر سؤال می‌برد. چه ساخت چنین بناهایی در گرو صرف سرمایه و زمان بسیار است و بدون وجود احساس امنیت که بهره‌برداری از بنای ساخته شده در آینده را امکان‌پذیر گرداند، چنین تلاشی بی‌مورد است.

مبنای مقاله حاضر این است که حکومت خودسرانه فردی و استبدادی در دوره قاجار، با اعمال قدرت و سلیقه شخصی و فقدان ساختار درازمدت، با ایجاد ناامنی برای جان و مال افراد و نیز بی‌ارزش کردن مالکیت شخصی و پیش‌بینی‌ناپذیر کردن آینده، فرهنگ و خلقیاتی ناشی از دید کوتاه‌مدت به آینده و روحیه‌ای قدرگرا در ایشان پدید آورده و همین امر در معماری نیز بازتاب پیدا کرده و به نوعی معماری کوتاه مدت منجر شده است. اگرچه از دوره قاجار و به‌ویژه عصر ناصری، بناهای شاخصی برجای مانده که عموماً کاخ‌ها یا منازل اعیان بوده است، اما رویه کلی خانه‌سازی در بیشتر نقاط ایران بنا بر گزارش‌های سیاحان، دچار ضعف و سستی بوده و عمر مفید اغلب خانه‌ها بسیار محدود بوده است. ضعف و رخوت در ساخت ابنیه و بی‌تفاوتی نسبت به نگاهداری بناها و فاصله گرفتن از تمهیدات اصولی معماری سنتی که به نوعی از معماری با تاریخ‌مصرف کوتاه منجر شده است، از جمله مهم‌ترین عوامل درونی برای تحولات معماری در این دوره بوده که زمینه را برای ورود معماری غرب فراهم کرده است.

#### ۴. روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، تحلیل محتوا است و برای گردآوری اطلاعات از مطالعه اسنادی و مراجعه به نوشته‌های تاریخی دست اول استفاده شده است. برای این منظور ۲۲ سفرنامه مربوط به اروپائینی که در دوره قاجار به ایران سفر کرده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. ملاک انتخاب سفرنامه‌ها، وجود اطلاعاتی مربوط به معماری و بناهای آن دوره در آن‌ها بوده که برای این منظور از کتب مرجع در سفرنامه‌ها مانند ایرانیان در زمانه پادشاهی (جوادی‌یگانه، زادقناد، ۱۳۹۴)، ایران و ایرانی (انصاف پور، ۱۳۶۳) و سفرنامه ... تا پخته

شود خامی (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰) و نیز ارجاعات مقالات معماری به سفرنامه‌ها بهره گرفته شد و سفرنامه‌هایی که در این مقولات، بیشتر از سایرین بدان‌ها ارجاع شده بود، برای پژوهش انتخاب شدند. به سفرنامه‌های منتخب در جدول شماره یک اشاره شده است.

**جدول ۱. سیاحانی که سفرنامه هایشان در مقاله استفاده شده به ترتیب سال ورود به ایران**

نام سیاح	ملیت	سال سفر	شغل و تحصیلات	علت حضور در ایران	مدت حضور
سرجان ملکم	انگلیسی	۱۸۰۰ ۱۸۰۸ ۱۸۱۰	سفیر فرماندار کل هندوستان	جلوگیری از اتحاد ایران با فرانسه و روسیه	بار اول ۱ سال و دفعات بعد کمتر از یکسال
گاسپارد رویل	فرانسوی	۱۸۱۲	صاحب منصب نظامی	استخدام در دولت ایران برای سازمان دادن ارتش	۳ سال
اوژن فلاندن	فرانسوی	۱۸۴۰	نقاش	تهیه یادداشت و طرح و نقشه از آثار باستانی ایران	۲ سال
یاکوب پولاک	آلمانی	۱۸۵۱	پزشک	تدریس در دارالفنون و طبابت در دربار ناصرالدین شاه	۱۰ سال
هاینریش بروگش	آلمانی	۱۸۵۹	استاد دانشگاه، دیپلمات و سفیر	فعالیت‌های سیاسی و تجاری	۲ سال
هنری موزر	سوئیسی	۱۸۷۹	تاجر	سیاحت و تجارت	کمتر از ۱ سال
ژان دیولافوا	فرانسوی	۱۸۸۱ ۱۸۸۴	همسر مارسل اوگوست دیولافوا	مطالعه آثار باستانی ایران	۱ سال ۲ سال
ادوارد براون	انگلیسی	۱۸۸۷	دانشمند و خاورشناس	آشنایی با زبان و ادبیات فارسی	۱ سال
ژوآن فووریه	فرانسوی	۱۸۸۹	پزشک	طبابت در دربار ناصرالدین شاه	۴ سال
جورج کرزن	انگلیسی	۱۸۸۹	سیاستمدار	اهداف سیاسی	۱ سال
ا. ر. دوراند	انگلیسی	۱۸۹۴	همسر وزیر مختار انگلیس	حضور در هیأت سیاسی	۶ سال
س. لومینتسکی	روس	۱۸۹۸	شخصیت سیاسی اقتصادی	بررسی زمینه‌های توسعه روابط تجاری با ایران	۳ سال
نایپر مالکوم	انگلیسی	۱۸۹۸	کشیش	ترویج آیین مسیحیت	۶ سال
هانری دالمانی	فرانسوی	۱۸۹۹	سیاح و عتیقه‌شناس	کشف و خریداری و جمع‌آوری اشیای عتیقه	۳ ماه
آرنولد هنری سویچ لندر	انگلیسی	۱۹۰۱	نقاش، عکاس، نویسنده، جامعه‌شناس، جهانگرد و مردم‌شناس	سفر از روسیه به هند از طریق ایران	کمتر از یکسال
امیل زاوی	فرانسوی	اوایل قرن ۲۰	نویسنده و روزنامه‌نگار	سیاحت	کمتر از یکسال
آرتور هنری مک ماهون	انگلیسی	۱۹۰۳	کلنل، سیاستمدار	تأمین منافع استعماری انگلستان	۳ سال
آبراهام. و. ویلیامز چکسون	آمریکایی	۱۹۰۳ ۱۹۰۷ ۱۹۱۰	استاد دانشگاه کلمبیا متخصص زبان‌های هند و اروپایی	تحقیق و پژوهش پیرامون زبان و ادبیات و دین و آیین ایران باستان	هر بار کمتر از یکسال
اف. ال برد	آمریکایی	۱۹۰۷	معلمی در مدرسه آمریکایی‌ها در تهران	عضو هیأت مذهبی مسیحی	۶ سال
دو مورگان	فرانسوی	۱۹۰۸	باستان‌شناس و مهندس معدن	به‌عنوان رأس هیأت علمی فرانسه	۳ سال
موریس پرنو	فرانسوی	۱۹۲۵	جهانگرد	شرق‌شناسی	کمتر از ۱ سال

هیچ یک از سفرنامه نویسان مزبور معمار نبوده‌اند؛ اگرچه فلاندن و دیولافوا را می‌توان به نوعی در ارتباط با معماری دانست. فلاندن همراه با یک معمار فرانسوی به نام پاسکال کست بر روی آثار باستانی ایران کار کرده و دیولافوا به‌همراه شوهرش مارسل دیولافوا، مهندس راه و ساختمان و باستان‌شناس، بوده است.

در این مقاله از تحلیل محتوای معنایی بهره گرفته شد؛ برای این کار تمام داده‌های مرتبط با ضعف معماری و بناهای مسکونی و عمر کوتاه آن‌ها از سفرنامه‌ها استخراج شد. سپس با کدگذاری اولیه، عبارات معنایی یا همان داده‌ها به گروه‌های مفهومی اولیه تقییل پیدا کردند و در نهایت گروه‌های مفهومی اولیه به سه دسته کلی تفکیک شدند؛ دسته اول توصیفات سیاحان از مصادیق ضعف در معماری و بروز ظاهری آن در بناهای مسکونی ایران را در بر می‌گرفت که ۷ گروه از مفاهیم اولیه ذیل این گروه بیان شدند؛ دسته دوم شامل این مصادیق در رابطه با ویژگی‌های خلقی و فرهنگی ایرانیان از دید سفرنامه‌نویسان بود که ۶ گروه در آن قرار گرفتند و در دسته سوم نیز این ویژگی‌های معماری در ارتباط با شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حکومت وقت و تفاسیر سیاحان از آن در قالب ۴ گروه، مطرح شدند.

## ۵. یافته‌های تحقیق

عبارات معنایی استخراج شده از سفرنامه‌ها تحت عنوان مفاهیم اولیه دسته‌بندی شدند و سپس با توجه به مضمون اصلی تحت سه دسته تفکیک گشتند که در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲. مفاهیم اولیه و تم‌های اصلی

تم اصلی	مفهوم اولیه	ردیف
مصادیق و جلوه‌های ضعف معماری و عمر کوتاه ابنیه در بناهای مسکونی ایرانی	استفاده از مصالح سست، ناپایدار و یا نامرغوب در ساخت بناها	۱
	عدم نگاهداری درست و تعمیر و مراقبت از ابنیه	۲
	کاربرد شیوه‌های غیراصولی و فاصله گرفتن از اصول پیشین معماری در ساخت بناها	۳
	ساخت سریع و سرسری خانه	۴
	عدم توجه و مراقبت از معماری پیشینیان	۵
	خرابی عمومی و عمر کوتاه ابنیه	۶
	زودبزه‌زود عوض کردن خانه	۷
ارتباط ضعف معماری و عمر کوتاه ابنیه با ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه	عقاید خرافی	۸
	تقدیرگرایی و بی‌مسئولیتی	۹
	فردگرایی، پیگیری نفع شخصی و عدم دید کلان	۱۰
	عدم اطمینان از آینده و فقدان آینده‌نگری	۱۱
	دزدی از کار	۱۲
ارتباط ضعف معماری و عمر کوتاه ابنیه با شرایط سیاسی و نحوه حکمرانی	تنبلی و اهمال‌کاری	۱۳
	عزل و نصب‌های مداوم حکومتی	۱۴
	مصادره دلبخواهی اموال از سوی حکومت	۱۵
	پابرجا نبودن مالکیت و عدم اطمینان از آن	۱۶
	حضور عمال دولتی، مالیات‌ها، سورات‌ها	۱۷



## ۵-۱. مصادیق و جلوه‌های ضعف معماری و عمر کوتاه ابنیه در بناهای مسکونی ایرانی

در این بخش به این مصادیق از دید سیاحان پرداخته می‌شود.

• **استفاده از مصالح سست، ناپایدار و یا نامرغوب در ساخت بناها:** اروپائینی که در دوره قاجار به ایران آمده‌اند، بارها به ضعف و سستی مصالح به‌کاررفته در بناها اشاره کرده‌اند و مواردی چون؛ خشت‌های کم‌دوام، آجرهای نامرغوب، تیرهای چوبی ضعیف و استفاده از کاه‌گل یا گل‌گچ که دوام بسیار کمی دارند و برای پوشش خارجی و داخلی ساختمان به کار می‌روند را مورد توجه قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه فلاندن در سفرنامه خود (۸۸ و ۹۶) می‌نویسد: «درواقع خشت‌هاییکه با آن عمارت را می‌سازند دوامی ندارند؛ چنانکه بشخصه آزمون کردم. هوا کمی منقلب شد و چهار روز پی‌درپی باران می‌بارید. پس از این مدت دیوار اغلب خانه‌ها را خراب دیدم ...» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۹۶).

پولاک معتقد است که اگر خشت‌هایی که ایرانیان در بناهای خود به کار می‌برند، به شیوه اصولی و از مواد مرغوب ساخته شود و به شیوه‌ای مطلوب و شایسته در آفتاب خشکانده شود، می‌تواند دوام و استحکام بالایی داشته باشد، چنانچه در برخی از بناهای کهن دیده می‌شود که خشت‌های به‌کاررفته در آن‌ها تا روزگاران درازی دوام آورده‌اند. اما در حال حاضر ایرانیان برای این کار زحمت زیادی به خود نمی‌دهند: «خشت را از خاکی که با برگ و عناصر گیاهی و گچ و آهک آغشته است یا از زباله‌های خیابان تهیه می‌کنند و در نتیجه خشت پس از بارانی که چند روز ادامه یابد از هم می‌پاشد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۲). او در مورد تیرهای به‌کاررفته در ساختمان‌ها نیز می‌گوید به جز موارد معدودی که برای ساخت ساختمان‌های بزرگ از تیرهای به دست‌آمده از چوب چنار استفاده می‌شود در باقی موارد «درخت‌های ۸ تا ۱۰ ساله تبریزی را می‌برند و پوست می‌کنند و به‌جای تیر در بنا از آن استفاده می‌کنند؛ اما این چوب سست مقاومت ندارد، زود می‌پوسد و اغلب طعمه موربانه می‌گردد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۲). بروگش نیز به بام‌های کاه‌گلی که تحت‌تاثیر باران رفته‌رفته نرم و ویران می‌شوند، اشاره کرده و می‌گوید: «بدین علت است که سقف بیشتر اتاق‌ها نم داده و چکه می‌کند... هر ساله در تهران در اثر فروریختن سقف‌ها حوادث ناگواری رخ می‌دهد و عده زیادی مصدوم و مجروح می‌شوند» (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۱۷). پولاک هم در همین زمینه از سقف‌های کاخ سخن می‌گوید: سقف‌هایی که با صرف هزینه و وقت بسیار نقاشی و آینه‌کاری و طلاکاری می‌شدند اما «هرگاه به یاد بیاوریم که چنین سقف‌هایی به‌ندرت در مقابل باران مداوم مقاومت می‌کند و خرابی‌هایی که بر اثر رطوبت پیش می‌آید در آن غیرقابل جبران است، از این همه اسراف و تبذیر کودکانه در شگفت می‌شویم» (پولاک، ۱۳۶۸: ۵۳). فوریه نیز نقل می‌کند: «حالی که باران‌های زمستان شروع به ریزش کرده سقف‌ها و دیوارها پوشیده غالباً فرومی‌ریزد و بچه‌ها و حیوانات را زیر آوار می‌گیرد ... و تلفات بسیار وارد می‌سازد» (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۳۲).

در سفرنامه‌های ملکم (۱۳۶۳: ۴۵)، پولاک (۱۳۶۸: ۴۹، ۵۰)، فوریه (۱۳۸۵: ۱۴۲)، هالینگبری (۱۳۶۳: ۴۵) و لومنیسکی (۱۳۹۲: ۶۰) نیز به همین امر اشاره شده است. لومنیسکی عمر تیرهای چوبی سقف در بناهای این دوره را کمتر از دو سال برآورد می‌کند.

• **عدم نگاهداری و تعمیر و مراقبت از ابنیه:** یکی از علل مهم عمر کوتاه بناها که در سفرنامه‌های اروپائیان حتی بیش از ضعف مصالح بدان پرداخته‌شده، تعمیر نکردن و عدم نگاهداری و مرمت ابنیه است. این موضوع در برخی موارد به‌صورت جزئی مورد توجه قرار گرفته و به مسائلی چون پنجره‌های شکسته‌ای که در بناها وجود دارند و تعمیر نشده‌اند، اشاره شده، مانند بلوشر (۱۳۶۹: ۲۱)، فلاندن (۱۳۵۶: ۶۴) و جکسون (۱۳۶۹: ۱۴۱). و نمونه‌ای از آن را می‌توان در این سطور پولاک یافت: «پس از مدتی کوتاه تمام درزهای این پنجره از گردوغبار مملو می‌شود. قطعات کوچک شیشه جدا می‌شود و سرانجام باد بی‌هیچ رادعی صفیرکشان به داخل

تالار می‌آید. با وجود این هرگز به تعمیر این پنجره همت نمی‌گمارند؛ چون این کار برخلاف اصول مورد قبول ایرانی‌هاست» (پولاک، ۱۳۶۸: ۵۱ و ۵۲).

و در مواردی دیگر به‌طور کلی به ویرانی بناهایی که پس از ساخت به حال خود رها می‌شوند و به‌سرعت غیرقابل سکونت می‌شوند، اشاره کرده‌اند؛ فلاندن (۱۳۵۶: ۱۳۳ و ۲۲۱ و ۲۶۱ و ۳۶۵ و ۴۵۳)، بروگش (۱۳۷۴: ۵۲، ۶۹)، پولاک (۱۳۶۸: ۴۸، ۷۲) و دوراند (۱۳۴۶: ۱۱۲). این بناها گاه منازل شخصی هستند، گاه قصور پادشاهان‌اند و گاه نیز بناهای عام‌المنفعه‌ای مانند کاروانسراها هستند که همه از آن استفاده می‌کنند ولی هیچ‌کس برای تعمیرشان اقدامی نمی‌کند. فلاندن در سفرنامه خود می‌نویسد: «تمام سرتاسر ایران مشرق به مغرب، شمال به جنوب، به همین حال است و بنایی که خراب شود کسی همت نمی‌کند تعمیرش نماید. پیوسته ویرانه بر خرابه می‌افتد و روی هم کپه می‌شوند» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۹۱). سیاحانی چون پولاک (۱۳۶۸: ۷۲) و موزر (۱۳۵۶: ۲۳۳)، ایرانیان را مردمی می‌دانند که از تعمیر گریزان‌اند و با مسامحه و بی‌اعتنایی بناها را به دست نابودی می‌سپارند چراکه از آن‌ها دل‌زده می‌شوند و بیشتر مایل به ساخت و ایجاد بناهای تازه‌اند.

#### • کاربرد شیوه‌های غیراصولی و فاصله گرفتن از اصول پیشین معماری در ساخت بناها: این امر از دید سیاحان

به‌عنوان ضعیفی در معماری ایرانی مطرح شده و در برخی سفرنامه‌ها آن را به‌عنوان علتی برای عمر کوتاه بناها دانسته‌اند. از جمله در سفرنامه پولاک (۷۲ و ۴۹) که در بخشی از سفرنامه خود روش کار یک بنا را این‌گونه توصیف می‌کند: «همه ابزار کار او عبارت است از یک ماله که شبیه خاک‌انداز است و بس. به‌ندرت از چکش استفاده می‌کند؛ زیرا خشت به سهولت با دست خرد می‌شود. با دست ملاط و دوغاب را در درزها وارد می‌کند و بعد چند بار با مشت به روی آن می‌کوبد تا بدان استحکام ببخشد. ماله را فقط برای صاف کردن به کار می‌برد و... تنها هنگامی از شاقول استفاده می‌کند که دیوار قدری کج یا شکم‌داده باشد. کار را خیلی سخت نمی‌گیرد. اگر او را متوجه به این حقیقت کنند که دیوار بدون بروبرگرد فرو خواهد ریخت با لبخندی جواب خواهد داد خانه را برای روز قیامت که نمی‌سازند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۹).

فاصله گرفتن ایرانیان از شیوه‌های پیشین معماری ایرانی نیز از چشم سیاحان از نقاط ضعف معماری قاجار بوده که یا ناشی از ناتوانی در اجرای این شیوه‌ها بوده و یا نفوذ معماری غرب موجب آن گشته است. پولاک (۱۳۶۸: ۷۲، ۳۸۸) و دیولافوا (۱۳۷۶: ۱۵۱ و ۱۵۲) از جمله کسانی هستند که به این امر اشاره کرده‌اند. سیاحان حتی کاشی‌کاری‌ها و تزئینات به کاررفته در بناهای جدید را ضعیف‌تر از دوره‌های قبل می‌دانند. دالمانی در توصیف کاشی‌کاری دوره قاجار می‌نویسد: «این کاشی‌ها زردرنگ است و جلوه کاشی‌های قدیمی را ندارد. دیدن این کاشی‌ها مسافر را به حیرت می‌اندازد که چرا اکنون صنعتگران ایرانی نسبت به کار خود بی‌قید شده‌اند و اسرار و رموزی را که نیاکانشان در ساختن کاشی‌های ظریف به کار می‌بستند فراموش کرده‌اند. روی هم‌رفته این کاشی‌ها بسیار بدنما هستند و سلیقه و دقتی در ترکیب آن‌ها به کار نرفته است» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۵۹).

دالمانی می‌گوید: «در زمان سیاحت شاردن در ایران، ساختن سفال و آجر روکاری ساختمان بسیار اهمیت داشته است و صنعتگران سفال‌های بسیار عالی تولید می‌کرده‌اند» از دید شاردن این قطعات به‌قدری زیبا و درخشان بوده که نظیر آن را چه از جهت نقش و چه از جهت ظرافت و زیبایی در هیچ کشور دیگری نمی‌توان دید. این صنعت که از دوران سلجوقیان و مغولان و بعدها در دوره صفویان پیش از شاه‌عباس بزرگ رواج داشته است «اندک‌اندک بعد از دوران این پادشاه رو به انحطاط نهاده است» (دالمانی، ۱۳۷۸: ۵۹۶).

#### • ساخت سریع و سراسری خانه: برخی سفرنامه نویسان اروپائی به ساخت سریع خانه‌ها در ایران اشاره کرده‌اند و آن را در

ارتباط با کیفیت پایین ساخت می‌دانند. دروویل در چند مورد به این موضوع اشاره کرده (۱۳۷۰: ۶۹ و ۷۰ و ۹۸) و معتقد است ساختن خانه در ایران با سرعتی شگفت‌آور و باورنکردنی انجام می‌شود به‌طوری‌که غالباً بیش از ۱۵ روز طول نمی‌کشد (دروویل، ۱۳۷۰: ۹۸).

تهیه مصالح برای خانه‌ها نیز به همان سرعت انجام می‌شود. فلاندن با اشاره به سرعت ساخت خشت برای بناها می‌نویسد: «یک نفر عمله در روز دو الی سه هزار خشت می‌مالد سپس این خشت‌ها را در آفتاب گذاشته تا بخشکد و پس از چند روز برای ساختمان آماده می‌شود. کلیه خانه‌ها با این خشت‌ها ساخته می‌شوند. دوام این بناها زیاد نیست لیکن به‌آسانی می‌توان از دوباره تجدید بنا کرد» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۸۸).

سیاحان دیگری چون براون (۱۳۷۹: ۹۴)، فلاندن (۱۳۵۶: ۱۳۳، ۲۲۱، ۴۳۲) و پولاک (۱۳۶۸: ۷۲) نیز به این امر پرداخته‌اند.

• **عدم توجه و مراقبت از معماری پیشینیان:** بحث عدم توجه و مراقبت از معماری پیشینیان نیز به‌وفور در سفرنامه‌های اروپائیان مطرح شده است. آن‌ها از بناهای ارزشمندی سخن می‌گویند که با صرف مبلغی جزئی به سهولت قابل تعمیرند ولی کوچک‌ترین توجهی به آن‌ها نشده و رو به‌سوی نابودی دارند. اشاره به ویرانی آثاری از گذشتگان در سفرنامه‌های جکسون (۱۳۶۹: ۲۷۷)، فلاندن (۱۳۵۶: ۹۳ و ۲۵۸ و ۳۹۶ و ۴۳۲)، بروگش (۱۳۷۴: ۲۰۶)، لندر (۱۳۸۸: ۲۷۲)، کرزن (۱۳۸۰: ۳۴۳) و پولاک (۱۳۶۸: ۷۲ و ۷۸) دیده می‌شود. از دید پولاک شرقی‌ها بیشتر تمایل به ساختن بناهای تازه دارند و از نگهداری و مراقبت از بناها بی‌خبرند؛ «زیباترین بناها یا ویران شده یا در شرف ویران شدن است و این در وضعی است که با صرف مبالغی جزئی می‌توان این تأسیسات را مرمت کرد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۰۶).

در مواردی به موضوع خراب کردن بناهای قدیمی به‌منظور استفاده از مواد و مصالح موجود در آن‌ها برای ساخت بناهای جدید اشاره شده است. مانند سفرنامه جکسون (۱۳۶۹: ۴۸۳)، فلاندن (۴۲۰، ۳۳۴) و پولاک (۱۳۶۸: ۷۷ و ۷۸). فلاندن می‌نویسد: «ایرانیان بیشتر بناهای قدیم را خراب کرده‌اند تا مصالحش را در ساختمان جدید به کار برند.» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۸۰) از دید وی از آنجایی که ایرانیان علاقه‌ای به حفظ آثار پیشینیان خود ندارند، بیشتر این آثار از میان رفته و در نتیجه بیشتر شهرها و بناها در زیر خاک مدفون گشته است.

در مواردی دیگر آثار ارزشمند بناهای پیشین به‌منظور غارت و فروش قسمت‌های ارزشمند آن ویران شده است. برای مثال دالمانی در سفرنامه خود نمونه‌ای را ذکر می‌کند که یکی از کارمندان دولت در خراسان برای تهیه هزینه ازدواج خواهر خود قسمتی از کاشی-کاری‌های یکی از شاهکارهای مشهد را سرقت کرده و با صندوق مخفیانه به اروپا فرستاده و به فروش می‌رساند. «متأسفانه چندان نگذشت که دیگران هم از او در این تبهکاری سرمشق گرفتند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۷۹۶).

و در مواردی نیز ویرانی آثار پیشینیان از روی عناد صورت گرفته مانند آنچه ظل‌السلطان در اصفهان کرد؛ او هنگامی که از رسیدن به سلطنت مایوس شد به تلافی، بیشتر شاه‌کارهای بی‌نظیر اصفهان را نابود کرد و مصالح آن را به فروش رسانید. «در واقع آخرین سال‌های حکومت ظل‌السلطان در اصفهان به‌منزله طوفان ویرانی زایی بود» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۹۰۲ تا ۹۰۶).

در مواردی هم بناهای جدید با تکیه بر بناهای مستحکم پیشین ساخته می‌شود. مانند نمونه‌ای که فلاندن در کنگاور ذکر می‌کند؛ یعنی خانه‌های اهالی بومی منطقه که در کنار ستون‌ها و با استفاده از آجرهای معبد باستانی این شهر ساخته شده است (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۸۹ و ۱۹۰).

• **خرابی و عمر کوتاه ابنیه:** در قسمت‌هایی از سفرنامه‌ها به‌طور کلی از خرابی عمومی و ویرانی حاکم بر شهرها و روستاهای ایران سخن رفته است. پولاک در توصیف شهرهای بزرگ ایران می‌گوید: «همه‌جا همان سبک ساختمانی، همان خرابه‌ها، همان پلیدی‌ها در کوچه‌ها و ... همه‌جا خانه‌هایی رو به ویرانی است و خانه‌های دیگری در دست ساختمان» (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۲). و یا بروگش چنین می‌نویسد: «حومه تمام شهرهای ایران به‌استثنای تهران مملو از خانه‌های مخروبه و نیمه مخروبه است» (بروگش،

۱۳۷۴: ۱۹۷). فلاندن نیز وضعیت دهستان‌های ایران را این‌گونه توصیف می‌کند: «هرکس دهستان‌های مخروبه و خانه‌های ویران این سرزمین را ببیند، به خود خواهد گفت اینان به مأمّن و مسکنی احتیاج ندارند. گویا تمدن در این سرزمین رو به انهدام و نیستی است» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۹۱). به این امر در سفرنامه‌های فلاندن (۱۳۵۶: ۳۶۹)، دو مورگان (۱۳۳۸: ۱۵۵)، دوران (۱۳۴۶: ۵۳)، لندر (۱۳۸۸: ۲۷۲)، برد (۱۳۷۶: ۶۷)، زاوی (۱۳۷۹: ۲۸)، پولاک (۱۳۶۸: ۴۸ و ۵۰)، مالکوم (۱۳۹۳: ۴۶-۴۷)، جکسون (۱۳۵۲: ۱۶۹)، دیولافوآ (۱۳۷۶: ۳۵، ۵۶)، ملکم (۱۳۶۳: ۵۹، ۶۳، ۶۴، ۶۵)، فوریه (۱۳۸۵: ۱۵۳، ۱۵۹، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۴)، براون (۱۳۷۹: ۲۶۱، ۲۶۴، ۴۳۸، ۴۶۵) و بروگش (۱۳۷۴: ۷۲، ۷۵، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۰۶) اشاره شده است.

• **زودبه‌زود عوض کردن خانه:** این مبحث نیز از دید سفرنامه نویسان جالب‌توجه بوده و کسانی چون مالکوم (۱۳۹۳: ۴۶، ۴۷) و پولاک (۱۳۶۸: ۴۹، ۷۲) بدان پرداخته‌اند. پرنو نیز این موضوع را موردتوجه قرار داده و چنین می‌نویسد: «ایرانیان در هر خانه که می‌سازند برای مدت زیاد زندگی نکرده آن را ترک و به خانه‌های جدید نقل‌مکان می‌کنند ... همین‌که در خانه جدید سکنی می‌کنند، خانه قدیمی را بی‌آنکه زحمت اتمام ساختمان آن را به خود بدهند ترک می‌کنند» (پرنو، ۱۳۲۴: ۴۹).

## ۵-۲. ارتباط ضعف معماری و عمر کوتاه ابنیه با ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه

در این بخش مواردی ذکر می‌شوند که سیاحان عمر کوتاه ابنیه و ضعف معماری را در ارتباط با ویژگی‌های خلقی و فرهنگی ایرانیان مطرح می‌کنند و تاثیر و تاثر آنها را در کنار هم می‌بینند.

• **عقاید خرافی:** طبق گفته برخی سیاحان چون پولاک (۱۳۶۸: ۷۲) ایرانیان بعضی خانه‌ها مانند خانه‌ای که در آن مصیبت ناگهانی رخ داده باشد را، بدقدم دانسته و هرگز حاضر به زندگی در آنها نمی‌شدند و این خانه‌ها را به حال خود رها می‌کردند تا ویران شود. دروویل نیز با اشاره به این مطلب می‌گوید: «مردم ایران سکونت در خانه‌ای را که برای دیگری ساخته شده بدشگون می‌دانند حتی از سکونت در خانه پدری هم خودداری می‌کنند. و اغلب آن را چندان به حال خود می‌گذارند تا به ویرانه‌ای مبدل شود» (دروویل، ۱۳۴۸: ۹۸).

• **تقدیرگرایی و بی‌مسئولیتی:** این ویژگی ایرانیان چه در ساخت خانه‌ها و شهرها و چه به‌طورکلی در زندگی ایشان به‌دفعات از سوی فرنگیانی که با ایران و مردم آن آشنا شده‌اند، موردتوجه قرار گرفته و بدان پرداخته‌اند؛ پولاک می‌نویسد: «هرگاه از یک ایرانی درباره سستی ساختمان چیزی پرسید تقریباً چنین جواب خواهد داد که «خانه می‌سازد که چند سالی تویش بنشیند و بعد چه اتفاقی بیفتد چیزی است که فقط خدا می‌داند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۲). و در جای دیگر در مورد بناهایی که خانه را می‌سازند، می‌گوید: «اگر او را متوجه به این حقیقت کنند که دیوار بدون بروبرگرد فرو خواهد ریخت یا لبخندی جواب خواهد داد خانه را برای روز قیامت که نمی‌سازند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۹). فلاندن نیز قدرگرایی ایرانیان را در این توصیف نشان می‌دهد: «به ما گفتند باران با ذوب برف‌ها قطعات سنگ‌ها را با خود آورده و در نتیجه خانه‌ها را ویران می‌سازند لیکن مردم بدون این‌که چشمشان بترسد یا متزلزل شوند دوباره منازل را در همین محل بنا کرده و می‌گویند خدا کریم است» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۵۷). ادوارد براون در شرحی که از بازدید از شهر ایزدخواست ارائه می‌دهد، نمونه واضحی از این امر را بیان می‌کند؛ خانه‌هایی سه یا چهار طبقه که رو به پرتگاه ساخته شده بودند و درحالی‌که در سال چند نفری به پرتگاه سقوط می‌کردند و گاه خود خانه‌ها به داخل پرتگاه فرومی‌افتادند، باز هم مردم خانه‌ها را بدون توجه به این پیشامدها در همان جا می‌ساختند (براون، ۱۳۷۹: ۲۵۵).

• **فردگرایی، پیگیری نفع شخصی و عدم دید کلان:** برخی سیاحان با تأکید بر اهمیتی که مردم برای داخل خانه‌های خویش قائل‌اند، از بی‌مسئولیتی ایشان در قبال آنچه بیرون از خانه است، سخن گفته و وضع بد کوچه‌ها و خیابان‌های شهرهای

ایران را توصیف کرده‌اند (ملکم، ۱۳۶۳: ۴۵ و ۷۹) (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۵۸). فلاندن با اشاره به معماری کلی در شهرها و روستاهای ایران می‌گوید: «در وقتی که پل‌های خراب و کاروانسراهای ویران دیده می‌شود، انسان به فکر فرو می‌رود و چنین درمی‌یابد که هر سکنه‌ای تنها به زمین خود قانع و دل‌بسته اوست ... و با سایر اماکن کاری ندارد» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۹۱).

- **عدم اطمینان از آینده و فقدان آینده‌نگری:** در سفرنامه پولاک در موارد متعددی به این امر اشاره شده است. (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۵، ۶۸، ۷۲، ۷۷) پولاک می‌گوید: «ایرانی که از فردای خود تأمین ندارد فقط و فقط در زمان حال زندگی می‌کند. شاه نیز مانند خان منزل خود را آن‌طور می‌سازد که تنها چند سال دوام کند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۰).
- **دزدی از کار:** دالمانی در سفرنامه خود به این قضیه پرداخته و از زدوبند بنا با کارگر و مباشر و مصالح‌فروش سخن می‌گوید (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۴۱). و در جای دیگر از پول‌هایی که برای ساخت و یا تجدید بناهای عمومی اختصاص داده شده حرف می‌زند و به این نکته اشاره می‌کند که تمام صاحب منصبان و مأموران توزیعی که در هر مرحله از کار دخالت دارند، از این پول برداشت می‌کنند تا جایی که گاه وقتی به مرحله اجرای کار می‌رسند، پولی باقی نمانده است (دالمانی، ۱۳۷۸: ۳۴). فوریه نیز موارد مشابهی را در دوره ناصرالدین‌شاه نقل می‌کند (فوریه، ۱۳۸۵: ۳۵۰، ۳۵۱). پولاک در وصف دزدی‌های این‌چنینی می‌نویسد: «این رسم در ایران رایج است که از هر پولی که برای بناهای عمومی معین می‌شود فقط چهاردهم آن واقعاً در این کار صرف می‌شود و بقیه به جیب کارمندان و مقاطعه‌کاران سرازیر می‌گردد...» (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۹).
- **تنبلی و اهمال کاری:** اهمال کاری هم در مورد شیوه‌های ساخت خانه‌ها و هم در مورد بی‌توجهی به تعمیر و نگهداری آن‌ها از سوی سفرنامه نویسان مورد توجه قرار گرفته است. کرزن می‌نویسد: «در قالب شهرهای ایران معدن‌های سنگ مرمر هست و به‌آسانی استخراج می‌شود. عجب آن‌که در کنار همین معدن‌های سنگ مرمر تمام خانه‌ها را از گل و خشت می‌سازند و آن‌قدر به خود زحمت نمی‌دهند که سنگ رایگان را از معدن بیرون بیاورند و خانه بسازند» (کرزن، ۱۳۸۰: ۲۲۴).

### ۵-۳. ارتباط ضعف معماری با شرایط سیاسی و نحوه حکمرانی

سهرابی در کتاب «گزارش‌هایی از سفرهای قرن نوزدهم ایرانیان به اروپا» سفرنامه‌ها را دریچه‌ای به فرهنگ و دغدغه‌های محل مبدأ می‌داند و با تکیه بر روایات سفر در دوره قاجار، نشان می‌دهد که این سفرنامه‌ها چگونه ابعادی پیچیده از شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر این دوره را بیان می‌کنند (سهرابی، ۲۰۱۲). در این قسمت به مواردی که ضعف معماری و عمر کوتاه ابنیه در ایران را ناشی از شرایط حاکم بر جامعه دانسته‌اند، پرداخته می‌شود.

- **عزل و نصب‌های مداوم حکومتی:** در سفرنامه پولاک ارتباط ظریف میان عزل و نصب‌های مداوم حکومتی و بناهای ساخته‌شده به‌خوبی بیان شده است؛ کسانی که در دستگاه حکومت به مقامی می‌رسیدند، بلافاصله شروع به ساخت منزل جدید و وسیعی می‌کردند. کسانی که می‌خواستند از مزایای شغل جدید وی بهره‌برند و نیز اقوام و بستگان و نوکران و مراجعانش، به سرعت در اطراف منزل او شروع به ساخت‌وساز می‌کردند؛ به‌طوری که به سرعت آن محدوده به محله‌ای از شهر بدل می‌شد. اما همین که بخت و اقبال از وی روی می‌گرداند و موقعیت و مقام خود را از دست می‌داد، اموال وی تصاحب گشته و خود متواری می‌گشت و پیرامون خانه او نیز رفته رفته خالی از سکنه و متروک می‌شد؛ «زیرا هر کس در تلاش آن است که در جوار ستاره طالع مسکن‌گزیند و از ستاره‌ای که در حال افول است دوری کند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۵). پولاک تأثیر این عزل و نصب ناگهانی را بر نقشه خانه‌ها اینگونه بیان می‌کند: «نقشه این خانه‌های سریع‌الرشد معمولاً چنان مفصل و پیچیده است و در اثر پیدا شدن

منابع مالی تازه به اندازه‌ای دچار تغییر و تبدیل می‌گردد که ساختمان هرگز به پایان نمی‌رسد یا در اثر سهل‌انگاری در ساختمان و سستی آن هنگامی که یک قسمت در حال ساخته شدن است، قسمت دیگر آن رو به ویرانی می‌رود. آنگاه یک‌باره وضع و مقام صاحب آن دگرگون می‌گردد، تهی دست می‌شود، ... یا به تبعید می‌رود، پس خانه به صورت یک بنای هفت‌جوش ناهماهنگ بر جای می‌ماند که هرگز به صورت چیزی تمام شده و کامل در نمی‌آید» (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۵).

• **مصادره دلبخواهی اموال از سوی حکومت:** در سفرنامه‌های متعددی به این امر اشاره شده است؛ (دالمانی، ۱۳۷۸: ۵۷)، (دروویل، ۱۳۴۸: ۲۰۵، ۲۰۶)، (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۲ و ۷۷ و ۷۸). پولاک از باغ‌هایی سخن می‌گوید که «برحسب سیر عادی حوادث توسط دولت مصادره و به تملک آن درآمده است» (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۷).

• **پابرجا نبودن مالکیت و عدم اطمینان از آن:** عدم اطمینان از مالکیت املاک و دارایی‌ها که به دلایل اعمال خودسرانه حکام پدید می‌آمده، سبب کاهش انگیزه برای ایجاد بناهای پایدار بوده است. برای نمونه پولاک به این موضوع پرداخته (پولاک، ۱۳۶۸: ۶۸ و ۷۶) و می‌نویسد؛ «با عدم ثباتی که در اوضاع و احوال این دیار هست و مالکیت پابرجای نیست، دیگر علتی وجود ندارد که بنایی مستحکم و مقاوم ایجاد شود؛ حتی ساختمان‌های سلطنتی هم که مخارج زیادی برای آن‌ها شده و می‌شود از این قاعده مستثنا نیست درست است که همه جا دار و زیبا است ولی از نظر استحکام حتی از خانه‌های شخصی نیز سست‌تر است» (پولاک، ۱۳۶۸: ۷۲).

• **حضور عمال دولتی، مالیات‌ها، سورات‌ها:** یکی از مواردی که در گزارش‌های سیاحان آمده، روستاهای خالی از سکنه و دهکده‌های متروک است که خانه‌های آن خراب و ویران گشته‌اند. از دلایلی که از دید سیاحان برای این امر ذکر شده می‌توان به اخذ مالیات‌ها، حضور عمال دولتی و نیز پدیده سورات اشاره کرد. هنگامی که شاه یا برخی درباریان یا افراد متنفذ مرتبط با دربار، قصد عزیمت به جایی را داشته‌اند، خواروبار مورد نیاز کاروان خود را از روستاهایی که در سر راهشان بوده تأمین می‌کرده‌اند که این پدیده را سورات می‌نامند. در برخی مواقع هنگامی که روستائینان زودتر از عزیمت کاروان باخبر می‌شدند، زار و زندگی خود را بر چارپایان خود بار می‌کردند و به جایی دیگر نقل مکان می‌کردند. مالیات‌های سنگین هم به همین صورت روستائیان را از ده و دیارشان فراری می‌داده است. در سفرنامه‌های اروپائیان بارها به نمونه‌های این‌چنینی پرداخته شده است. فلاندن در سفرنامه خود می‌نویسد: «در طرف راستمان دهستانی است که ساکنینش از چندی پیش آن را ترک گفته و به جایی دیگر کوچ کرده‌اند. این دهستان مانند دیگران که در پیش شرح داده‌ام از اجحافات حکومت و مالیات‌های سخت بدین روز نکبت و بدبختی افتاده است؛ چه رعایای بیچاره که نتوانسته‌اند چنین مالیات‌های گزافی را تحمل کنند آن را ترک گفته به جای دیگر متوسل و از این محل نقل مکان کرده‌اند» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۴۵).

پولاک (۱۳۶۸: ۳۵۰) فلاندن (۱۳۵۶، ۳۴۳، ۴۲۸) و جکسون (۱۳۶۹: ۲۶۵) نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند. برخی سیاحان نیز وضع محقر خانه‌ها را در ارتباط با همین وقایع و برای در امان بودن از مالیات دانسته‌اند.

در بحث از ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حکومت در این دوره که در بسیاری از موارد، منجر به ظهور نوعی سرسری-انگاری و ضعف در ساخت ابنیه و عمر کوتاه بناها شده بود، در دسته‌بندی گزارش‌های مختلف سیاحان ۵ دسته از عوامل مطرح شد که در دیدی کلان می‌توان همه آن‌ها را در ارتباطی نزدیک با یکدیگر و از مشخصه‌های یک حکومت استبدادی مبتنی بر سلیقه شخصی با اتکا به قدرت فرد دانست که بر اساس خواست شخصی، در هر زمان امکان تصاحب مقام و منزلت و جان و مال افراد وجود دارد و اعمال قدرت شخصی در نبود جدی قانون، منجر به ایجاد ناامنی برای افراد جامعه از حیث جان و مال و نیز جایگاه و حرفه و مقامشان می‌باشد. از آنجایی که این شیوه حکومت متکی بر موفقیت شخصی است، حتی شخص شاه نیز در معرض انواع تهدیدات است و

همواره احتمال از دست دادن همه چیز برای او وجود دارد. این شرایط، امکان دید بلندمدت، پیش‌بینی آینده و برنامه‌ریزی برای آن را با مشکل مواجه می‌کند. تقدیرگرایی و فقدان آینده‌نگری در افراد، از پیامدهای زندگی در چنین جامعه‌ای است. از سوی دیگر شخصی بودن قدرت، وجود یک‌رشته مداوم از اولویت‌ها، اهداف و برنامه‌ها را در ابعاد کلان جامعه در حیطه‌های مختلف از میان برده و خواست شخصی تعیین‌کننده همه چیز است و با تغییر پیاپی حکام، برنامه‌ها و مسیرها همواره دستخوش تغییر و تحول گشته و کوتاه‌مدت است. عدم اطمینان، ابهام و ناتوانی در تسلط بر امور زندگی، زمینه را برای گسترش خرافات در جامعه فراهم می‌کند، مسئولیت‌پذیری افراد را کاهش داده و خصائصی چون بی‌تفاوتی نسبت به امور و اهمال‌کاری در انجام فعالیت‌های زندگی را افزایش می‌دهد. در یک جامعه پیش‌بینی‌ناپذیر و ناامن، افراد به انجام امور اجتماعی بی‌رغبت شده و آینده تاریک و نامطمئن، ایشان را وابسته به نفع شخصی و محدود به رفع نیازهای خود می‌گرداند. در سفرنامه‌های اروپائیان بارها به مواردی از قبیل ویرانی بناهای عام‌المنفعه‌ای مانند کاروانسراها پرداخته شده که در عین استفاده همگان، کسی برای تعمیر و مرمت آن‌ها اقدامی نمی‌کند. معماری نیز همچون بسیاری از پدیده‌های دیگر، متأثر از شرایط زیست و فرهنگ جامعه است و زندگی در یک جامعه ناامن و کوتاه‌مدت، در بناها نیز انعکاس می‌یابد. در دیدی کلی به معماری در ارتباط با شرایط جامعه، می‌توان گفت استفاده از مصالح پایدار و شیوه‌های اصولی ساخت بنا که درگرو صرف زمان بسیار و هزینه فراوان است در یک جامعه کوتاه‌مدت چندان توجیه‌پذیر نیست؛ چه هر آن ممکن است چرخش ایام همه چیز را از میان ببرد؛ بنابراین مصالح از راه‌هایی سریع و ارزان و غالباً بی‌کیفیت تأمین می‌شوند. از سوی دیگر شیوه‌های اصولی معماری ایرانی نیز، غالباً مستلزم صرف وقت بسیار بوده و به همین دلیل در دوره قاجار تا حدودی از آن فاصله گرفته شد. کیفیت و استحکام اغلب بناهای چشمگیر این دوره، در مقایسه با بناهای شاخص دوره‌های پیشین کمتر بوده و بسیاری از آن‌ها در زمانی نه‌چندان طولانی پس از ساخت ویران می‌شدند و از آن‌ها جز نامی برجای نمانده است. به گفته سیاحان، در این دوره، تعمیر و نگهداری ابنیه مسکونی چندان رواج نداشته و هنگامی که نواقص و ایرادات خانه از حدی فراتر می‌رفت، به‌سرعت خانه‌ای دیگر ساخته می‌شد و خانه پیشین را ترک می‌کردند؛ چه ساخت چنین خانه‌هایی در مدت‌زمانی نسبتاً کوتاه و با هزینه نه‌چندان زیاد امکان‌پذیر بود. حتی در برخی موارد مانند پنجره‌های ارسی، شیوه ساخت به‌گونه‌ای بوده که امکان تعمیر بنا وجود نداشته؛ در بسیاری از موارد شیشه‌ها به‌گونه‌ای با تیغه‌های چوبی در ابتدا چفت‌وبست می‌شدند که بعد از شکستن شیشه دیگر امکان قرار دادن شیشه تازه در آن محل وجود نداشت. رویه ساخت ساده و سریع خانه‌ها و زودبزه‌زود عوض کردن خانه در اغلب مناطق ایران رواج داشت و بیشتر شهرها و روستاهای ایران مملو از خانه‌های متروک و رها شده و نیمه ویران بود که در توصیف بناها و معماری دوره قاجاریان بیش از هر چیز بدان اشاره شده است. اگرچه شرایط سیاسی و اجتماعی دوره قاجار را نمی‌توان در سراسر آن یکسان در نظر گرفت اما خرابی و ویرانی زود هنگام و گسترده خانه‌ها در بیشتر دوره قاجار حتی دوره ناصرالدین‌شاه که می‌توان آن را به‌نوعی زمان رونق معماری و شهرسازی به شمار آورد، گزارش شده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

می‌توان گفت در جامعه کوتاه‌مدت دوره قاجار، تغییرات مداوم و کوتاه‌مدت در بسیاری از جنبه‌های زندگی افراد و وجود ناامنی در جامعه، بر فرهنگ و خلیات ایشان اثر نهاده و به صورتی باواسطه به‌گونه‌ای که شرح داده شد، بر معماری نیز اثرگذار بوده است. در این دوره بناهای مستحکم و استوار و ارزشمند، به‌ندرت ساخته شده و عدم اطمینان و تردید نسبت به آینده که بر زندگی همه افراد اعم از شاه و درباریان یا مردم عادی سایه انداخته بود، به‌وضوح خود را در معماری و ساختمان‌های این دوره نشان داده است. به‌سخن دیگر تجسم عدم وجود ساختارهای بلندمدت اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در دوره قاجار را به‌وضوح می‌توان در ساختمان‌های کوتاه‌مدت

این دوره مشاهده کرد و به همان نسبت که نبود ساختارهای درازمدت زمینه را برای اعمال سلايق شخصی فراهم می‌کرد، عمر کوتاه ابنیه و امکان نو شدن بناها در فاصله‌های زمانی کوتاه نیز بستری برای ورود شیوه‌ها و عناصر معماری خارجی و جدید بود که در این دوران به دلیل گسترش آموشدها با اروپا و جذابیت‌های معماری فرنگ، عامل تأثیرگذار، معماری غرب بود. وجود یا عدم وجود ساختارهای باثبات و پایدار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع انسانی را مانند هر پدیده انسانی دیگر می‌توان امری نسبی به شمار آورد که در زمانی کمتر و در زمانی بیشتر بوده و یا در برخی عرصه‌ها پررنگ و در برخی دیگر کمرنگ بوده است. و نسبت میزان حضور ساختارهای درازمدت در جوامع طبق آنچه بیان شد بر پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی اثرگذار خواهد بود. در دوره قاجار میزان بالای ناپایداری سیاسی و اجتماعی بر پدیده‌های فرهنگی من جمله معماری اثر نهاده بود و به‌وضوح در بناهای ناپایدار این دوره نمایان می‌شد. بنابراین اگرچه کاتوزیان از نبود ساختارهای درازمدت و جامعه کوتاه‌مدت ایران سخن می‌گوید ولی همین امر را نیز می‌توان امری نسبی دانست و معماری را به‌عنوان شاخصی برای آن در نظر گرفت. به‌عبارت‌دیگر قوت و پایداری یا ضعف و تزلزل بناهای یک دوره تاریخی را می‌توان به‌عنوان نمادی از قوت و ضعف ساختارهای درازمدت آن به شمار آورد. مقایسه وضعیت بناها در دوره‌های تاریخی مختلف در مقایسه با اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها در ارتباط با میزان حضور ساختارهای درازمدت در جامعه می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقیقات بیشتر در این زمینه باشد. با مروری بر پیشینه تحقیق به‌خوبی می‌توان دریافت که عمر کوتاه بناها و به‌سختن دیگر معماری کوتاه مدت، هنوز یکی از معضلات معماری و شهرسازی در کشور است که هزینه‌های زیست محیطی و اقتصادی فراوانی را به جامعه تحمیل می‌کند. بنابراین شناخت ریشه‌ای و تاریخی این مسئله و فهم آن در بستر امروز و تلاش برای حل آن، امری بااهمیت است که لزوم تحقیقات بیشتر و تلاش و توجه فراوان را می‌طلبد.

**مأخذ مقاله:** مستخرج از رساله دکتری نویسنده دوم با عنوان «بررسی علل مؤثر بر تغییر نگرش ایرانیان نسبت به معماری خانه‌های مسکونی در دوره قاجار با استناد به سفرنامه‌های این دوره»، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، در این مقاله تعارض منافعی وجود ندارد.

## منابع

- افشار اصل، مهدی و خسروی، محمدباقر (۱۳۷۷). معماری ایران در دوره قاجار، هنر ۱۸ (۳۶)، ۱۲۲-۱۳۸.
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۶۳). *ایران و ایرانی (به تحقیق در صد سفرنامه دوره قاجاریه)*، تهران: چاپ گلشن.
- ایمانی جاجرمی، حسین و برغانی برزگری، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی مدیریت محله در ایران و ترکیه، *توسعه محلی* ۱۱(۲)، ۵۴۵-۵۶۴.
- <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.76786>
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸). *معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته*، تهران: هنر معماری قرن.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۴۴). *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه و حواشی ذبیح‌الله منصوری، تهران: معرفت.
- برد، اف. ال (۱۳۷۶). *ایران در آستانه قرن بیستم*، ترجمه میترا معتضد با مقدمه و توضیحات و ویراستاری خسرو معتضد، تهران: البرز.
- بروگش، هایریش (۱۳۷۴). *در سرزمین آفتاب*، ترجمه مجید جلال وند، تهران: نشر مرکز.
- بلوشر، ویرت (۱۳۶۹). *سفرنامه بلوشر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- پرنو، موریس (۱۳۲۴). *در زیر آسمان ایران*، ترجمه کاظم عبادی، تهران: علمی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴). *نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران، اندیشه/ایران‌شهر*، ش ۴: ۲۲-۳۴.



- تازیکه لمسکی، ایمان، قبادیان، وحید، سلطان‌زاده، حسین، قلیچ خانی، بهنام (۱۳۹۵). نمایش تبادلات معماری و شهرسازی ایران و غرب در سفرنامه‌های ایرانیان به فرنگ در دوره قاجار، مدیریت شهری، (۴۴)، ۵۱۹ - ۵۳۶.
- جکسون، ابراهیم. و. ویلیامز (۱۳۶۹). *سفرنامه جکسون (ایران در گذشته و حال)*، ترجمه منوچهر امیری، فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات خوارزمی.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا، زادقناد، سعیده (۱۳۹۴). *ایرانیان در زمانه پادشاهی (خلقیات منفی ایرانیان در نگاه بیگانگان به جامعه ایران)*، کتاب ششم، تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- حقیر، سعید و صلواتی، کامیار (۱۳۹۶). گزاره‌های نقادانه اروپاییان درباره معماری و شهرهای ایران در سفرنامه‌های قرن هفدهم تا نیمه قرن نوزدهم میلادی، *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۲(۳)، ۵۷ - ۷۰. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2017.64775>
- حقیر، سعید و صلواتی، کامیار (۱۳۹۹). تمجیدهای ایرانیان از معماری فرنگ و رابطه آن با انتقادهای آنان از معماری ایران در اواخر دوران قاجار، *نشریه باغ نظر*، ۱۷، ۵ - ۱۴. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.188582.4146>
- خالقیان، سیما و صالحی، ابودر و ولی بیگ، نیما و عباسی هرفته، محسن (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی طول عمر ساختمان در ایران و کشورهای توسعه‌یافته، هشتمین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار، عمران و بازآفرینی شهری، قم.
- دالمانی، هانری، رنه د (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، تهران: امیرکبیر.
- دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۸۰). *سفرنامه ... تا پخته شود خامی*، تهران: نشر ثالث.
- دروویل، گاسپار (۱۳۷۰). *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شباویز.
- دروویل، گاسپار (۱۳۴۸). *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محبی، تهران: گوتنبرگ.
- دهقانی، رعنا و گرگین کرجی، آرش (۱۳۹۵). عوامل موثر بر طول عمر ساختمان در ایران: چالش‌ها و راهکارها، اولین کنفرانس ملی آینده مهندسی و تکنولوژی، تهران.
- دو مورگان، ژان ژاک ماری (۱۳۳۸). *هیئت علمی فرانسه در ایران*، مطالعات جغرافیایی، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز: چهر. دوراند، ا. ر. (۱۳۴۶). *سفرنامه دوراند*، ترجمه علی محمد ساکی، خرم‌آباد: محمدی.
- دیولفاو، ژان (۱۳۷۶). *سفرنامه (خاطرات کاوش‌های باستانی شوش)*، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضاقلی، علی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خودکامگی*، تهران: نشر نی.
- زاوی، امیل (۱۳۷۹). *شب‌های زیبای ایران*، ترجمه افتخار نبوی نژاد، تهران: برگ زیتون.
- صارمی، علی‌اکبر (۱۳۷۴). *مدرنیته و رهاوردهای آن در معماری و شهرسازی ایران*، *مجله گفتگو*، ۴، ۵۷-۶۹.
- عاملی، سید سعید رضا، اخوان، منیژه (۱۳۹۲). بازنمایی عناصر هویت‌بخش شهری در سفرنامه‌ها: مطالعه مقایسه‌ای تهران و شهرستان‌های استان تهران، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱(۴)، ۷۵ - ۱۰۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2013.36571>
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). «درباره نیمرخ رفتار ایرانی، سنخ‌شناسی مدل‌ها، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره یازدهم، ش ۱: ۳-۲۱.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: انتشارات اشراقی.
- فووریه، ژوان (۱۳۸۵). *سه سال در دربار ایران ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*، جلد اول، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- لرنر، دانیل (۱۳۸۱). *گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه*، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لندر، آرنولد هنری سویچ (۱۳۸۸). *در سرزمین آرزوها*، ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی، تهران: اطلاعات.
- لومینتسکی، س (۱۳۹۲). *ایران و ایرانیان*، ترجمه محمد نایب پور، تهران: نگاه گستران فردا.
- مالکوم، ناپیر (۱۳۹۳). *سفرنامه نیرد*، ترجمه علی محمد طرفداری، یزد: مهرپادین.

- معظمی، منوچهر (۱۳۹۴). معماری معاصر ایران (جامعه کوتاهمدت - معماری کوتاهمدت)، نشریه فیروزه اسلام (پژوهه معماری و شهرسازی اسلامی)، ۱، ۳۹ - ۶۱. <http://dx.doi.org/10.29252/ciauj.1.1.39>
- معظمی، منوچهر، حجت، عیسی (۱۳۹۳). ریشه‌های گسست و گم‌گشتگی فرهنگی در معماری معاصر ایران، معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۲۱، ۱۰۳ - ۱۱۲.
- مک ماهون، آرتور هنری (۱۳۷۸). *جغرافیای تاریخی سیستان: سفر با سفرنامه‌ها*، ترجمه و گردآوری حسن احمدی، تهران: مؤلف.
- ملکم، سرجان (۱۳۶۳). *روزنامه سفر هیئت سرجان ملکم به دربار ایران در سال‌های ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱*، به قلم ویلیام هالینگبری، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.
- موزر، هنری (۱۳۵۶). *سفرنامه ترکستان و ایران*، ترجمه علی مترجم، تهران: سحر.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۶). حکومت خودکامه: نظریه ای تطبیقی درباره دولت، سیاست و جامعه ایران، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۱۷ و ۱۱۸، ۵۶ - ۷۱.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۲). دکتر مجتهدی و مسائل خدمتگزاری در جامعه کلنگی، *ایران‌شناسی*، شماره ۵۹، ۴۹۳ - ۵۰۱.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۲). *جامعه کوتاهمدت*، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: نشر نی
- Afshar Asl, M. & Khosravi, M. B. (1377). Architecture of Iran in the Qajar Period, *Art* 18 (36), pp. 122-138 (In Persian)
- Ameli, S. S. R. & Akhwan, M. (2012) Representation of urban identity elements in travelogues: a comparative study of Tehran and cities of Tehran province, *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, Volume 1, Number 4, pp. 75-100. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jisr.2013.36571>
- Bani Massoud, A. (2008) *Contemporary Iranian architecture: in the struggle between tradition and modernity*, Tehran: Art of Architecture of the Century. (In Persian)
- Blusher, Vibert (1369) *Blusher's travelogue*, translated by Kikavos Jahandari, Tehran: Kharazmi Publications. (In Persian)
- Brown, E. G. (1344) *A year among the Iranians*, translation and margins by Zabihullah Mansouri, Tehran: Marafat. (In Persian)
- Brugsch, H. (1374) *in the land of sunshine*, translated by Majid Jalalvand, Tehran: Publishing Center. (In Persian)
- Byrd, F. (1376) *Iran on the threshold of the 20th century*, translated by Mitra Motazad with introduction and explanations and edited by Khosro Motazad, Tehran: Alborz. (In Persian)
- Curzon, G. N. (1380) *Iran and the Iranian issue*, first volume, translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani, Tehran: Scientific and Cultural. (In Persian)
- Dalmani, H. R. (1335) *travel book from Khorasan to Bakhtiari*, Tehran: Amirkabir. (In Persian)
- Danesh-Pazhoh, M. (2010) *The travel book... to be cooked*, Khamsi, Tehran: Third publication. (In Persian)
- Daroville, G. (1370) *Travel in Iran*, translated by Manouchehr Etemad Moghadam, Tehran: Shabaviz. (In Persian)
- De Morgan, J. J. M. (1338) *French Faculty in Iran, Geographical Studies*, translated and explained by Kazem Vadie, Tabriz: Chehr. (In Persian)
- Dehghani, R. & Gergin Karji, A. (2016) Factors affecting the longevity of buildings in Iran: Challenges and solutions, *the first national conference on the future of engineering and technology*, Tehran. (In Persian)
- Diolafoa, Z. (1376) *travelogue (memoirs of the ancient excavations of Susa)*, translated by Iraj Farahvashi, Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Droville, G. (1348) *Droville's travel book*, translated by Javad Mohebi, Tehran: Gutenberg. (In Persian)
- Durand, A. R. (1346) *Durand's travelogue*, translated by Ali Mohammad Saki, Khorramabad: Mohammadi. (In Persian)

- Farastkhah, M. (2009) About the profile of Iranian behavior, ethnography of models, *Iranian Sociology Magazine*, 11th period, Vol. 1: 3-21. (In Persian)
- Flanden, E. (1356) *Eugene Flanden's travelogue to Iran*, translated by Hossein Noor Sadeghi, Tehran: Ishraghi Publications. (In Persian)
- Fourier, J. (1385) *Three years in the court of Iran 1306-1309 lunar year*, translated by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Nasar Alam. (In Persian)
- Haqir, S. Salawati, K. (2016) Critical statements of Europeans about the architecture and cities of Iran in travelogues from the 17th century to the middle of the 19th century AD, *Fine Arts Magazine*, Volume 22, Number 3, pp. 57-70. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jfaup.2017.64775>
- Haqir, S. Salvati, K. (2019) Iranians' praise of Farang architecture and its relationship with their criticisms of Iranian architecture in the late Qajar era, *Bagh Nazar magazine*, number 17, pp. 14-5. (In Persian) <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.188582.4146>
- Homayun Katoozian, M. A. (2012) Doctor Mojtahedi and the issues of servanthood in Kalangi society, *Iranology*, No. 59, pp. 493-501. (In Persian)
- Homayun Katoozian, M. A. (2012) *Short-term society*, translated by Abdullah Kothari, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Homayun Katoozian, M. A. (2016) *Autocratic Government: A Comparative Theory of Iran's Government, Politics and Society*, translated by Alireza Tayeb, *Political and Economic Information*, No. 117 and 118, pp. 56-71. (In Persian)
- Imani Jajermi, H. & Barghani Barzgari, F. (2018) Comparison of Neighborhood Management in Iran and Turkey, *Local Development* 11(2), pp. 545-564. (In Persian) <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.76786>
- Insafpour, G. (1363) *Iran and Iranians (research on a hundred travelogues of the Qajar era)*, Tehran: Golshan Press. (In Persian)
- Jackson, Abraham. And. Williams (1369) *Jackson's travel book (Iran past and present)*, translated by Manouchehr Amiri, Fereydoun Badrei, Tehran: Khwarazmi Publications. (In Persian)
- Javadi Yeganeh, Mohammadreza, Zadqonad, Saeedeh (2014) *Iranians in the time of the monarchy (negative attitudes of Iranians in the eyes of foreigners towards Iranian society)*, book 6, Tehran: Social Council of the country; Research School of Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Khalekian, S. & Salehi, A. & Wali Bey, N. & Abbasi Herfteh, M. (2017) comparative comparison of building lifespan in Iran and developed countries, 8th international conference on sustainable development, *construction and urban regeneration*, Qom. (In Persian)
- Lander, A. H. S. (1388) *in the Land of Dreams*, translated by Ali Akbar Abdur Rashidi, Tehran: Information. (In Persian)
- Lerner, D. (1381) *The Passing of Traditional Society: Modernization of the Middle East*, translated by Gholamreza Khaje Sarvi, Tehran: Strategic Studies Research Institute. (In Persian)
- Lomnitsky, S. (2012) *Iran and Iranians*, translated by Mohammad Naibpour, Tehran: Negah Gostaran Farda. (In Persian)
- Malcolm, N. (2013) *Yazd travel book*, translated by Ali Mohammad Tasari, Yazd: Mehrpadin. (In Persian)
- McMahon, A. H. (1378) *Historical geography of Sistan: travel with travelogues*, translated and compiled by Hassan Ahmadi, Tehran: author. (In Persian)
- Melkam, S. (1363) *Newspaper of Sarjan Melkam's trip to the Iranian court in 1799, 1800, 1801*, written by William Hollingbury, translated by Amir Hoshang Amini, Tehran: Kitabsara. (In Persian)

- Moazzami, M. (2014) Contemporary architecture of Iran (short-term society - short-term architecture), *Firouze Islam publication (Research on Islamic architecture and urbanism)*, number 1, pp. 39-61. (In Persian) <http://dx.doi.org/10.29252/ciauj.1.1.39>
- Moazzami, M. H. I. (2013) The roots of cultural discontinuity and confusion in contemporary Iranian architecture, *Armanshahr Architecture and Urbanism*, No. 21, pp. 103-112. (In Persian)
- Moser, H. (1356) *travelogue of Turkestan and Iran*, translated by Ali Martez, Tehran: Sahar. (In Persian)
- Parno, M. (1324) *under the sky of Iran*, translated by Kazem Ebadi, Tehran: Ilmi. (In Persian)
- Piran, P. (2004) *Theory of Strategy and Territorial Policy of Iranian Society*, Iranshahr Thought, Vol. 4: 22-34. (In Persian)
- Polak, J. E. (1368) *Polak's travel book, Iran and Iranians*, translated by Kikavos Jahandari, Tehran: Kharazmi. (In Persian)
- Rezaqoli, A. (2009) *Sociology of autocracy*, Tehran: Nei Publishing. (In Persian)
- Sarmi, A. A. (1374), Modernity and its consequences in architecture and urban planning of Iran, *Conversation magazine*, number 4, pp. 57-69. (In Persian)
- Sohrabi, Naghme (2012) *Taken for Wonder: Nineteenth-Century Travel Accounts from Iran to Europe*, New York: Oxford University Press
- Tahmasbifard, Mercedeh (2020) A Comparative Study on Residential Architecture in the Qajar era (Case Study: Mansions in Tehran), *International Journal of Architecture and Urbanism*, vol. 10, no. 2 (36), 49-58. <https://doi.org/10.30495/ijaud.2020.15849>
- Tazike Lemski, Iman, Qabadian, Vahid, Sultanzadeh, Hossein, Qulij Khani, Behnam (2015) "Showing the exchanges of architecture and urban planning between Iran and the West in the travelogues of Iranians to Farang in the Qajar period", *Urban Management*, No. 44, pp. 519-536. (In Persian)
- Vahdat, v. (2017) *Occidental Perceptions of European Architecture in Nineteenth-Century Persian Travel Diaries: travels in farangi space*. London & New York: Routledge
- Zavi, E. (1379) *The Beautiful Nights of Iran*, translated by Iftikhar Nabojnejad, Tehran: Olive Leaf. (In Persian)